

# پیام تاریخ

تاریخ دربردارنده‌ی وقایع مهم و سرنوشت‌ساز و نیز شرح حال و اقدامات زنان و مردان بزرگی است که تاریخ را ساخته‌اند. منظور از وقایع مهم، سرنوشت‌ساز و تاریخ‌ساز هر فعالیتی است که ماندگار باشد، پایدار بماند و تأثیر بلندمدت و نتایج طولانی از خود نشان دهد. با این تعبیر انسان‌های تغییرساز فقط سیاستمداران، فرماندهان ارتش‌ها یا نوابغ نیستند؛ بلکه هر انسانی با هر شغلی می‌تواند تاریخ‌ساز باشد، به شرط آن‌که در کاری که می‌کند نظر بدان داشته باشد که «بماند». یک معلم، یک شاعر، یک نقاش، یک معمار، یک تاجر و به طور کلی هر کسی می‌تواند یا اثری ماندگار از خود بر جای گذارد یا «نامی نیک» برای خود به یادگار گذارد.

چنین نگاهی به تاریخ انسان و اقدامات و اندیشه‌های او مستلزم نگرشی بلند و ژرف به زندگی انسان و جهانی است که در آن به سر می‌برد. کوتاه‌نظری، کوتاه‌فکری و کوتاه‌بینی راهی به سوی «ماندگار شدن» ندارد. آن‌کس که در اندیشه و عمل خویش به قضاوت‌نه فقط مردم روزگار خویش بلکه به قضاوت‌نسل‌های آینده نیز می‌اندیشد، می‌تواند کاری بزرگ انجام دهد و این نیز خود «درس تاریخ» است. تاریخ چندهزار ساله‌ی تمدن و فرهنگ بشری به ما نشان می‌دهد که آنان که روحی بلند و نگاهی عمیق به امور داشته‌اند از خود نامی جاودان و اثری ماندگار بر جای نهاده‌اند.

این که درس تاریخ در بردارنده‌ی دانشی راجع به گذشتگان باشد حس قدرشناسی از آنان را برمی‌انگیزد، موجب علاقه‌مندی به میهن و هم‌نوعان گردد، رشد فکری انسان را موجب شود و نظایر آن، فقط پله‌های اولیه‌ی درک تاریخی است، آموزش تاریخ که موجب آشنایی با انسان‌های بزرگ و وقایع سرنوشت‌ساز می‌گردد در نهایت خویش باید بدین نتیجه منتهی شود که از شمار فراوان خوانندگان تاریخ جمعی تاریخ‌ساز به وجود آورد. بدون شک همگان با خواندن تاریخ، تاریخ‌ساز نمی‌شوند اما هر جامعه‌ای در هر زمانی نیاز به جمعی تاریخ‌ساز دارد تا حیات و زندگی فعال داشته باشد و به پیش برود. بدون اقدامات تاریخ‌ساز، جامعه یا در توقف است یا عقب‌گرد. این جمع تاریخ‌ساز نیز نباید اندک باشد. شماری هنرمند، نویسنده، معلم، محقق، سیاستمدار، مخترع و نظایر آن لازم است تا به نیازهای مبتنی بر خلاقیت، نوآوری و اقدامات بزرگ و سترگ پاسخ مثبت گویند. پیدایش چنین جمعی نیز از طریق درس تاریخ ممکن است و از جمله انتظاراتی است که فرهنگ و جامعه از درس و علم تاریخ دارند. با عنایت داشتن به تاریخ و با داشتن نگاهی تاریخی به هر مسأله و کار و کوشش می‌توان به تاریخ‌سازی پرداخت. کسی که تاریخ می‌خواند و با اقدامات تاریخ‌ساز دیگران (گذشتگان) آشنا می‌شود باید به این نتیجه‌ی منطقی برسد که همان‌گونه که گذشتگان کاری کرده‌اند که در تاریخ مانده و اثری ساخته‌اند که پابرجا مانده است، او نیز باید چنین کند. هدف ما از مطالعه‌ی تاریخ آن نیست که در مقابل اقدامات بزرگ گذشتگان انگشت تحیر به دهان گرفته و خود را عاجز و ناتوان به شمار آوریم، بلکه پیام تاریخ و تمدن بشری آن است که هر نسلی در هر عصری باید تاریخ‌ساز باشد، بنای تمدن را برافراشته‌تر سازد، اثری بزرگ‌تر به وجود آورد و خلاقیتی بیشتر به خرج دهد. می‌توان همواره این پرسش را از خود داشت که آیا همواره باید فقط نظاره‌گر آثار گذشتگان باشیم؟ آیا نباید ما نیز اثری از خود به جای گذاریم که آیندگان نظاره‌گر آن باشند، بدان افتخار کنند و از ما به نیکی یاد نمایند؟ آیا هر کسی در هر سنی و شغلی و هنری نمی‌تواند چنین بیندیشد؟ اکنون که چند هزار سال از تمدن بشری با هم‌هی آثار بزرگ آن گذشته آیا توجه کرده‌اید که پدیدآورندگان آثار بزرگ در دو قرن گذشته چگونه به تاریخ نگریسته‌اند؟